



بررسی تطبیقی عقد اجاره و جعاله در فقه شافعی و حقوق مدنی ایران

یزدان صفری

خلاصه

در مورد اجاره و جعاله تحقیقات زیادی به عمل آمده است ولی در مورد رابطه عقد اجاره با جعاله، تحقیقات بسیار اندکی رخ داده است به همین خاطر تحقیق در این زمینه را لازم دانسته از این رو هدف در این تحقیق بررسی رابطه عقد اجاره با جعاله با توجه به نظرات حقوقدانان است که با روش جمع آوری کتابخانه‌های به این نتایج دست یافته شده است. موارد انحلال آن‌ها چگونه است و چه تفاهم و شباهاتی با هم دارند و تفاوت‌های که در فقه شافعی دارد در این مقاله طی این بررسی‌ها به نتیجه مورد نظر رسیدیم به همین دلیل روش تحقیق ما در این مقاله، روش توصیفی-تحلیلی و مقایسه و تطبیق است. دستاورد‌های این مقاله در عقد جعاله به هنگام انعقاد عقد، تعهد یک به وجود می‌آید و در این صورت حق حبسی وجود نخواهد داشت اجاره اشخاص عقدی مبنی بر مغاینه است به همین دلیل علم تفصیلی لازمه آن است ولی در عقد جعاله مبتنی بر مسامحه است لذا علم اجمالی به جعل کفایت می‌کند و حتی به خاطر ماده ۵۶۳ و ۵۶۴ قانون مدنی مورد آن هم می‌تواند هم مردد باشد.

کلمات کلیدی: عقد اجاره ، عقد جعاله ، فقه شافعی ، حقوق مدنی

مقدمه

عقد در لغت از انعقاد به معنی بسته شدن، غلیظ شدن، سفت شدن و عقد از عقد به معنای گردن بند، عقد از عَقْدَه به معنای گره. بستن سر دو رشته از یک دیگر است که جدا شدن یکی از آن‌ها سخت باشد. نظر حقوق دانان بر این است که عقد در مورد معاملات، از ریشه، عَقْدَه به وجود آمده است؛ به همین دلیل افزون بر این که فهم عرف جامعه با این کار در یک راستا است، آیات قرآنی: وَلَا تَعْزَمُوا عَقْدَ النِّكَاحِ وَ، أَوْ يَعْفُوا الذی بیده عَقْدَةُ النِّكَاحِ شاهد بر این قضیه هستند به همین خاطر آن را جزو عقد میدانند که میتواند آثار آن گریبان گیر طرفین معامله را بگیرد به همین خاطر به اثبات این موضوع خواهیم رسید که تقابل عقد با ایقاع و تعریف ایقاع به که یک طرفه است نه دو طرفه، با توجه به کار گره زدن که میان دو سر طناب صورت می‌پذیرد، تأیید بر برداشت امام رحمه الله می‌باشد عقد به معنای بستن طناب و بستن بیع و عهد است عقد از بستن و گره زدن آمده و اجماع آ عقود است.



۱. مفهوم اصطلاحی عقد

در طول تاریخ تدوین کنندگان حقوق، تعاریف زیادی در مورد مفهوم قرارداد ارائه کردند و در برخی مواقع این تعاریف باعث تعدد مفاهیم در این زمینه شده است. وجه تطابق معنای اصطلاحی با معنای لغوی این است که در اثر ایجاد عقد بین دو شخص رابطه حقوقی به وجود می‌آورد و آنها را به یکدیگر متصل می‌کند. اولین ماده در قانون مدنی ایران که بحث قرار داد ها شروع میشود ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران است که عقد را چنین تعریف کرده است: «عقد زمانی است که یک یا چند شخص در برابر یک یا چند نفر دیگر تعهد به انجام کاری را دهند و مورد قبول آنها واقع شود». با توجه به تعریف بالا میتوان دو شرط اساسی را برای صحت عقد استفاده کرد: ۱. توافق دو یا چند اراده با هم. ۲. ایجاد تعهد. ۳. توافق اراده ها

۱-۱. مفهوم اصطلاحی عقد در فقه

آن چیزی که ما باید در اولین کار خود به آن پردازیم مفهومی از عقد میباشد که نظر بیشتر فقها و حقوق دانهاست. که عبارت از قولی یکی از متعاقدين و فعل از دیگری با ارتباط معتبر از حیث شرع در نتیجه میتوانیم در تعریف عقد بیان کنیم که از هماهنگی مقابل اراده دو یا چند فرد در به وجود آمدن ماهیت حقوقی. آثار ماهیت حقوقی می شود. در تفسیر عقد این گونه بیان شده که در آن معنای عقد از منظر لغت مترادف گشودن و بازآمده است و در شرع، قولی که متعاقدين عقد و یا از یک طرفین عقد و کاری از طرف دیگر که آثار آن از طرف شارع بر آن پدید آمده است همان گونه که در تفسیر عقد آمده است که در این تعریف جواهرالکلام دو مورد اساسی که مهم است برای عقد در نظر گرفته است یکی توافق طرفین و دیگری اثر شارع و اثر حقوقی است. این دو مورد در تعاریفی حقوقدانان از عقد کرده اند قابل رویت است. (ابراهیم بن علی شیرازی، ۱۳۸۷، ۲۰)

۲. مفهوم لغوی اجاره اشخاص

اجاره در لغت به معنی کرایه ای است که در قبال انجام دادن عملی به کسی به عنوان پاداش پرداخت میگردد و به آن اجر اجاره و اجرت گفته میشود «أَجْرَهُ» و «أَجْرَهُ» به این معنی است که پاداش را در قبال انجام دادن عملی به وی داد لفظ اجاره را فقط در مواقع نفع - نه ضرر به کار میبرند اجر غالباً برای پاداش اخروی و اجرت غالباً برای پاداش دنیوی به کار میروند (معنی الايجار لغة: بيع المنفعة ومعناه الشرعي هو معناه الل و هي في اللغة اسم الاجرة و هي كریبالأجير لأمصدر آجر یوجر فان. شهید ثانی، ج ۱، ۹۲۱)

۲-۱. مفهوم اجاره اشخاص در حقوق

اگر بخواهیم اول تعریف آن را با بررسی قانون آغاز کنیم در قانون ماده ۴۶۶ قانون مدنی در تعریف عقد اجاره بدین شرح است که اجاره عقدیست که به خاطر آن مستأجر صاحب منافع عین مستأجره می شود... اما نکته ای که در این ماده به چشم میخورد به معوض بودن عقداجره هیچ گونه سخنی گفته نشده است ولی چیزی که لازم است بدانیم این است که تملک منافع چیزی رایگان نیست و مستأجر نیز در مقابل موجر متعهد است که مالی (که در عرف مقداری وجه رایج مملکت است)؛ بدین گونه که بند ۳ ماده ۴۹۰ در مورد مستأجر این گونه می گوید که: ثالثاً مال مورد اجاره را در صورتی که متعاقدين مقرر است تأدیه کند و در صورت عدم فهمیدن زمان فرا رسیدن آن نقداً باید بپردازد.



۲-۲. مفهوم اجرت

اجرت با همزه به معنای کرایه است و جمع آن است مثل غرفه و غرف، و در تعریف اجرت گفته شده که اجرت همان است که در مقابل عمل اجیر به وی پرداخت می‌شود. از نظر لغوی اجرت یا به عبارتی میتوان آن را مزد نامید عبارت است از وجوه نقدی و یا غیر نقدی یا مرکب از هر دو که در عوض عمل به کارگر داده می‌شود و یا کلیه دریافت های قانونی از قرارداد کار که حق السعی نامیده می‌شود مانند مزد، حقوق، کمک عائله مندی، هزینه های خانواده، خواربار، و غیره

۲-۳. مفهوم اصطلاحی اجرت

اجرت دو حالت دارد عین یا منفعت؛ ولی اگر منفعتی بعنوان اجرت در عقد اجاره مشخص شود، آیا میتواند از جنس همان منفعت باشد که طبق عقد اجاره، تحت مالکیت مستأجر در آمده است یا خیر؟ فقهای شیعه بیان میکنند: میتوانند جنس اجرت با جنس آنچه عقد بر آن منعقد شده (منفعت)، یکی باشد مثل سکونت خانه ای دیگر، همینطور که جایز است جنس اجرت با جنس منفعت مورد اجاره متفاوت باشد اجرت باید معلوم باشد.

۲-۴. ارکان اجاره اشخاص

فی حیث المجموع اجاره شامل: صیغه، طرفین (موجر و مستأجر)، عین مستأجر، منافع، اجرت شامل این موارد میشود که مفصلاً به آن می‌پردازیم. (ج ۲۷، ص ۲۱۹؛ عاملی، ج ۱، ص ۳۲۱)

۳. صیغه

شامل ایجاب و قبول است. ایجاب: هر لفظی است که آشکار از مؤجر - اجاره دهنده صادر شده و خواه به صورت صریح یا کنایه بر تملیک منفعتی به دیگری در قبال عوضی دلالت میکند. (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۲۷، ص ۲۰۴) لفظ صریح مانند این را به تو اجاره دادم یا کرایه دادم یا منافع آن را برای یک سال به مالکیت تو درآوردم. لفظ کنایه مانند در خانه، من هر ماه به فلان قیمت ساکن شو منفعت این چیز را به فلان قیمت به تو دادم. قبول: هر لفظی است که از مستأجر اجاره گیرنده - صادر شده و آشکارا بر رضایت به تملیک منفعت دلالت کند مثلاً بگوید قبول کردم اجاره کردم کرایه کردم، طلب کرایه کردم اگر اجاره به صورت معاطات تعامل و رواج عرفی داشته باشد.

۳-۱. اراده و قصد انشاء در عقد اجاره اشخاص

اعلام اراده به هر نحوی میتواند باشد و میتواند با بیان لفظ باشد یا نوشته یا عمل در اثبات اجاره املاک قانون ثبت مانعی به وجود آورده بر طبق مواد ۴۶ تا ۴۸ قانون ثبت در تمام قراردادهایی که موضوع آنها عین یا منافع اموال غیر منقول است انتقالی اگر صورت گیرد باید حتماً سند باشد. این کارها باعث میشود رابطه موجر و مستأجر را سخت کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ۱۹۱) و در بیشتر اوقات که دادگاه نتواند به واقع رسد مثال در مواقعی که اتافی اجاره داده میشود یا سوئیتی برای یک روز اجاره داده میشود ثبت سند رسمی وجود ندارد، در این مورد اگر عقد اجاره به دلیل تنظیم نشدن سند قابل اثبات نباشد به حاکمیت اراده دو طرفین و عرف جامعه بی توجهی شده از این رو، اثبات اجاره احتمال دارد مورد سو استفاده موجران و فرار از اجرای قواعد اجاره می‌شود. (معین، ۱۳۸۷، ۴۳)



۴. مفهوم لغوی جعالة

معنی جعالة، اجرت، مزد یا چیزی است که در مقابل انجام دادن کاری به دیگری پرداخت می شود. قرارداد جعالة یا عقد جعالة، به معنای این است که شخصی، ملتزم به پرداخت اجرتی معلوم، در قبال انجام عملی، توسط یک شخص معین یا نامعین گردد. جاعل، عامل و جعل، ارکان جعالة هستند و مشروع بودن و عقلانی بودن، از جمله شرایط عمل مورد جعالة می باشند. جعالة از ریشه کلمه جعل بوده و به معنی چیزی است که در مقابل انجام دادن کاری، به دیگری پرداخت می شود. جعالة در لغت، به معنی اجرت و دستمزد است. جعالة در حقوق، نام یک عقد معین است که در ماده ۵۶۱ قانون مدنی، تعریف شده است.

۴-۱. مفهوم اصطلاحی جعالة

تعریف عقد جعالة التزام شخص به ادای اجرت جُعَل پاداش معلوم در مقابل عملی اعم از که اینکه طرف مقابل مخاطب جعالة خاص باشد یا عام برای مثال یک دانشگاه اعلام میکند به شخصی بهترین نقشه را برای جایی دانشکده ها و بخشهای مختلف آن دانشگاه طراحی کند مبلغ ده میلیون تومان پاداش میدهد این نوعی جعالة است که مخاطب آن عام است یا آنکه پدری به فرزند خود میگوید اگر در آزمون در دانشگاه تهران پذیرفته شوی دو چرخهای به تو خواهم داد. این نوعی جعالة است که مخاطب آن خاص است. ماده ۵۶۱ ق.م.د در این خصوص باید توجه داشت که به شخصی که ملتزم به دادن پاداش میشود جاعل «میگویند در دو مثال فوق، دانشگاه و پدر جاعل هستند. به شخصی که عمل را انجام می دهد «عامل» میگویند به اجرت تعیینی، «جُعَل» میگویند در دو مثال فوق ده میلیون تومان و دو چرخه، جعل اند. جُعَاله در فقه و حقوق ایران عبارت است از عقدی که طی آن شخصی در برابر دریافت اجرت یا پاداشی التزام به انجام کاری می یابد. جعالة از ریشه کلمه جعل بوده و به معنی چیزی است که در مقابل انجام دادن کاری، به دیگری پرداخت می شود. جعالة در لغت، به معنی اجرت و دستمزد است. جعالة در حقوق، نام یک عقد معین است

۴-۲. مفهوم جعالة در حقوق

در مورد ماده ۵۶۱ قانون مدنی در تفسیر جعالة این گونه میگویند که جعالة از الزام فردی به دادن دست مزدی مشخص در برابر، کاری که ممکن است توسط یک شخص انجام شود یا توسط اشخاص متعدد و ماده ۵۶۲ در مقام شرح واژه های که در این واقعه حقوقی استفاده کرده اند، می افزاید: «در جعالة التزام کننده را، جاعل طرف مقابل که کار را انجام میدهد را عامل و اجرت را جعل مینامند به ضم جیم می گویند». این تعریف گفته شده ماهیت عقد جعالة را در مقابل اجاره اشخاص که با آن تفاهم زیادی دارد، مشخص نمی سازد. به این دلیل که در اجاره اشخاص نیز مستأجر التزام می شود که دستمزد مشخصی را را در برابر کاری مشخص بپردازد.



۴-۳. اقسام جعاله

جعاله به خاص و عام تقسیم می‌شود که اگر بخواهیم تفسیری راجب آن کنیم به این شهر است که جعاله خاص: عقدی است که بین یک شخص خاص (جاعل) و دیگری (عامل) مبنی بر انجام کاری در ازای دریافت پاداش (جعل) منعقد می‌شود؛ به عبارت دیگر یک مخاطب دارد؛ مانند آنکه پدری به فرزندش می‌گوید اگر در آزمون در دانشگاه تهران پذیرفته شوی دو چرخه‌ای به تو خواهم داد (شهیدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ۱۲۴)

۵. شرایط انعقاد عقد اجاره اشخاص

اجاره نیز همان گونه که در عقد بیع از لحاظ شرایط و مواردی که برای انعقاد و آثار آن تابع قواعد عمومی قراردادها می‌باشد مثل تمامی قراردادها، طرفین باید اراده راسخ داشته باشند قانون طرفین را برای داد و ستد شرایط قانونی را داشته باشد یعنی صغیر سفیه نباشد، انعقاد عقد اجاره نیاز به موضوع مشخص نیاز دارد و در آخر باید جهت قرارداد موضوعه مشروع باشد (ماده ۱۹۰ ق.م.ا)، اما، بعضی از شرایطی که موجود است در عقد اجاره ویژگی‌های دارد که باید به آن‌ها پرداخته شود. اجاره عقدی، معوض و از لحاظ رابطه‌ای که بین دو عوض در این مورد قراردادها یافت می‌شود و آثاری که از این عقد به جا می‌ماند با بیع داری تفاهم‌های بسزایی است در همین رو نیز از طرح فراوانی از مسائل مانند کلیات مربوط به حق حبس مبیع و قدرت بر تسلیم و تلف مال یکی از دو عوض پیش از قبض، بی اطلاع هستیم مشروع بودن جهت عقد اجاره نیز صورت جدیدی در عقد اجاره ندارد تا بخواهد مبحثی خاص را به خود اختصاص دهد، پس در نتیجه مبحث مربوط به انعقاد اجاره را در دو گفتار بررسی می‌کنیم گفتار اول را به قصد و رضا و اهلیت تخصیص می‌دهیم و در مبحث دوم به موضوع عقد اجاره خواهیم پرداخت.

۵-۱. تراضی طرفین

اجاره نیز مانند بیع از حیث شرایط انعقاد و آثار تابع قواعد عمومی قراردادها است مانند همه قراردادها، دو طرف باید اراده جدی و سالم داشته باشند قانون آنان را برای معامله اهل بشناسد، انعقاد اجاره نیاز به موضوع معین و معلوم دارد و سرانجام باید جهت قرارداد مشروع باشد (ماده ۱۹۰ ق.م.ا). منتها، پاره‌ای از این شرایط در عقد اجاره ویژگی‌هایی یافته است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۲. اهلیت طرفین

مطابق آنچه که در قانون آمده در ماده ۱۹۰ آن اهلیت جزء شرایط صحت هر معامله است، اهلیت استیفاء یا همان قدرت اعمال حق را میتوان این گونه خطاب کرد که از قابلیت و توانایی فرد که بتواند حق خود را اجرا و استیفاء نماید باید بتواند در اموال خود تصرف کامل نماید و بتواند عقود و معاملات را خود منعقد کند برای اینکه اجیر دارای اهلیت طلقی شود شرط



آن داشتن عقل است ماده ۱۲۱۱ قانون مدنی می گوید جنون به هر درجه که باشد موجب حجر است و ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مدنی خود نماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود. لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می نماید نافذ است مشروط براینکه افاقه او مسلم باشد در ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی کسی که تصرفات او در اموال و حقوق مدنی خود عقلایی نباشد، غیر رشید است.

در نتیجه رشد یعنی تصرفات شخص در اموال خودش. غیر رشید یا سفیه از دارای سلامت عقلی و روانی میباشند ولیکن تصرفاتش در اموال او و حقوق مالی که دار اصلاً عاقلانه نیست و در معاملات فریب خواهد خورد و مال خود را از بین میبرد از این پس قانون در حمایت از این افراد معاملات او را نافذ نمی داند و صحت و درس بودن آن را منوط بر تنفیذ ولی یا قیم سفیه کرده است و طبق ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی باید بدانیم که محدودیت به وجود آمده برای سفیه صرفاً در مورد اموال و حقوق مالی سفیه می باشد و طبق ماده ۱۲۲۰ قانون مدنی هر شخصی که به سن بلوغ خود چه پسر چه دختر رشید است مگر این که عدم رشد آن ها ثابت شود.

۵-۳. مفهوم منفعت

هدف اصلی از عقد اجاره این است که مورد اجاره به مستأجر داده شود تا از منافع آن بهره مند شود. بنابراین در عقد اجاره، نیز مانند بیع قدرت بر تسلیم مورد اجاره شرط عقد است و همان فروعی که در بیع گفته شد در این جا هم مطرح می شود ماده ۴۷۰ قانون مدنی علاوه بر قدرت، تسلیم باید امکان بهره برداری از مورد اجاره نیز چنان که دو طرف اراده کرده اند، موجود باشد (جبل عاملی، ۱۴۱۵، ج ۱، ۳۲۴).

۶. شرایط انعقاد عقد جعالة

۶-۱. تراضی طرفین

عقد به وجود میاید اگر به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به کاری که دلالت بر قصد کند. قصد با رضا متفاوت می باشد. بعضی اوقات آن ها را با هم اشتباع میگیرند، اما آثار این آن ها و فقدان آن ها با هم متمایز است. و نبود قصد باعث بطلان قرارداد میشود، اما اگر عدم رضا باشد عدم نفوذ قرارداد میشود برای این که بفهمیم ماهیت قصداً باید تفاوت آن را از عنصر رضا لازم است بدانیم مراحل متفاوت روانی شخصی را که قصد خرید یک واحد مسکونی یا آپارتمان را داشته باشد تا تنظیم قرارداد از دیدگاه فعل و انفعالات دماغی بررسی باید شود در این زمان ابتدا تصور عمل خرید آپارتمان یا مسکن در ذهن پدید می آید. این مرحله ارادی نیست و به ذهن آمدن آن قهری انجام می شود. در اول همه ی عناصر قرارداد پیش فروش و نتایج آن در ذهن تصور می شود، به موضوع و تعهدهایی که از آن به جود می آید می اندیشد. این دورنما، محرک اراده می شود.

۶-۲. معلوم بودن موضوع (جعل)

جعل عوض در جعالة است و جعل باید به وسیله ی پیمانه یا وزن یا شمارش و یا غیر آن، تا حدی که غرر رفع گردد، معلوم باشد؛ بنابراین، در جعالة اگر عوض مجهول باشد، باطل است. بعضی گفته اند: منظور قائلان به شرط معلوم بودن عوض در جعالة، باطل بودن عوض است نه اینکه اصل عقد و در نتیجه عامل مستحق اجرت المثل است. البته در صورت باطل بودن عقد، عامل مستحق اجرت المثل است، با این تفاوت که در صورت صحت جعالة و بطلان عوض، اجرت المثل، در جعالة



عوض واقع می‌شود؛ بنابر قول جمعی، در صورتی که جهل مانع تسلیم عوض نباشد، اشکالی ندارد، مانند آنکه جاعل بگوید: هرکس فلان گمشده را بیابد، نصف آن از آن او باشد و یا صاحب کالا به دلال بگوید: از فلان مبلغ هر چه بیشتر فروختی از آن خودت باشد... در خصوص برده گمشده در صورت مجهول بودن جعل بنابر قول مشهور، اگر در همان شهر بیابد، مستحق یک دینار و اگر در شهری دیگر بیابد مستحق چهار دینار است. این حکم، بنابر تصریح عد های در شتر گمشده نیز جاری است. (همدانی، ج ۳، ۹۱)

۶-۳. اهلیت طرفین

اصطلاح اهلیت تملک را در برابر اهلیت تمتع پیشنهاد می‌نماید و در استدلالی که به کار برده می‌گوید. درست است که در قانون مدنی اصطلاح تمتع از حق بطور معمول با بکار گرفتن و اجرای آن همراه است این کلمه صلاحیت اعمال حق را نیز در بر می‌گیرد و با معنی مورد نظر تناسب ندارد به همین جهت اهلیت تملک که در عرف قانونی معنی روشن تری دارد پیشنهاد شده است و انگهی این نکته را بایستی یاد آور شد که اهلیت تنها برای دارا شدن حق بکار می‌رود، صلاحیت داشتن تکلیف و توانایی ((تمتع شدن)) نیز در آن مطرح است و کلمه تمتع با تعهد و التزام به کلی بیگانه است در حالی که تملک اگر به معنی دارا شدن بکار رود می‌تواند درباره تعهد و تکلیف نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و اما باید گفت واژه ی اهلیت تملک بجای اهلیت تمتع هیچ گونه تناسبی ندارد چرا که تملک با اراده حاصل می‌شود اما اهلیت تمتع یا دارا شدن حق بطور غیر ارادی و قهری یعنی با تولد برای انسان حاصل می‌شود و اراده انسان نقشی در حصول آن ندارد (همدانی، ج ۳، ۹۱).

۶-۴. مشروعیت جهت

قانون مدنی، جهت معامله یا قرارداد را تعریف نکرده است و تنها از مشروعیت جهت به عنوان یکی از ستون های درستی و اعتبار معامله یا قرارداد یاد می‌کند. چنانکه ماده ۲۱۷ قانون مدنی می‌گوید: در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و الا معامله باطل است. به گونه ای که دیده می‌شود قانونگذار اصراری ندارد که طرف های معامله جهت داد و ستد خود را اظهار و اعلام کنند زیرا می‌داند که به طور معمول افراد در روابط و پیوندهای معاملاتی خود کمتر علاقه‌مند به تصریح و نوشتن جهت یا انگیزه معامله خود هستند. آشکار است که اگر در قرارداد یا معامله ای جهت و انگیزه آن اعلام شود و معلوم شود که امری خلاف قانون و نظم عمومی و اخلاق نیک جامعه است، آن معامله باطل است و از درجه اعتبار فرومی‌افتد. همچنین اگر از قرینه‌ها و اوضاع و احوال روشن شود که جهت (هدف و انگیزه) معامله غیر مشروع (غیرقانونی) است آن معامله باطل خواهد بود.

۶-۵. ارکان عقد جعالة

به طور کلی ارکان جعالة عبارتند از صیغه، متعاقدين، عمل، جعل؛ که به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت. در ماده ۵۶۲ قانون مدنی آمده است «در جعالة ملتزم را جاعل و طرف را عامل و اجرت را جعل می‌گویند» (خوئی، ۱۴۲۰، ج ۲، ۵۲۴؛ نجفی، ج ۲۷، ص ۲۱۹؛ شهید ثانی، ج ۱، ۳۲۱). در رابطه با ارکان جعالة نظریات مختلفی ابراز شده است عقد جعالة قبل از اتمام عمل به اراده هر یک از طرفین و همچنین به فوت حجر یکی از طرفین منحل می‌شود. بنابر این موضوع آن (اعم از عمل وجعل) است و همچنین عامل لازم نیست به طور تفضیلی معلوم و معین باشد بلکه علم اجمالی به آنها کفایت



می‌کند. معمولاً با ایجاب از طرف جاعل و قبول از طرف عامل، بدون تشریفات خاصی به وجود می‌آید. عوضین آن از یک طرف عمل مورد جعاله و از طرف دیگر اجرت (جعل) می‌باشد. هر کار مشروع و عقلایی که از نظر عرف دارای ارزش باشد را می‌توان موضوع جعاله قرار داد. پس از وقوع و انجام عمل مورد جعاله (تعهد) است که جاعل ملتزم به پرداخت جعل می‌شود و برخلاف عقود تملیکی عامل از ابتدا مستحق دریافت اجرت نیست.

۶-۶. ماهیت عقد اجاره اشخاص و جعاله

اجاره عقدی لازم است؛ بنابراین از جانب طرفین قابل فسخ نیست مگر آنکه طرفین با توافق آن را اقاله موجه کنند. برای مثال اگر مستأجر، خانه‌های خودش خانه ای بخرد قبل از انقضای مدت اجاره نمیتواند را ملزم به پایان دادن به اجاره و پس دادن مبلغ قرض الحسنه اجاره در اصطلاح، عرفی پول پیش بنماید؛ بلکه موجه میتواند تا انتهای مدت به اجاره ادامه دهد (خواجه پیری، بی تا، ۱۷۱) و تا انتهای مدت اجاره از مستأجر، مال الاجاره اجاره بها را مطالبه کند حتی اگر مستأجر خانه را تخلیه کرده باشد. و به خانه خود رفته باشد موجه میتواند تا انتهای مدت عقد اجاره از مستأجر اجاره بها را بگیرد و به پایان دادن به اجاره توافق نکند.

۷. ویژگیهای قرار دادکار

کار دارای ویژگیهایی است که آن را از سایر قراردادهای متمایز می‌سازد مهمترین ویژگی قرارداد کار تابعیت حقوقی کارگر نسبت به کارفرما می‌باشد. بدین معنی که کارگر باید به دستور و طبق نظر کارفرما و به حساب او اعمالی را انجام دهد و این خصوصیت است که قرارداد کار را از سایر قراردادهای متمایز مینماید. تابعیت اقتصادی کارگر نسبت به کارفرما مشخصه دیگری برای تمیز قرارداد کار است زیرا کارگر برای بقای خود از نظر اقتصادی متکی به مزدی است که در مقابل کار دریافت می‌دارد قرارداد کار دارای خصوصیتی است که ذیلاً به برخی از موارد آن اشاره خواهد شد.

۷-۱. **بند اول** رضایی بودن قرار داد به استناد ماده ۴۹۷ قانون مدنی توافق دو اراده رکن لازم برای انعقاد قرارداد است. به تشریفات خاصی نیاز ندارد و جز در موارد نادر قرارداد به تراضی بسته میشود پس میتوان گفت در حقوق ما اصل این است که عقد با تراضی واقع میشود نه تشریفات لازم دارد و نه تسلیم مورد معامله در وقوع و نفوذ پیمان مؤثر است و فقط میتواند از آثار و توابع تملیک و اجرای تعهد باشد.

۷-۲. **بند دوم** مستمر بودن قرارداد کار عقد مستمر عقدی است که در آن یکی از طرفین یا هر دو ملزم به اجرای تعهدات مستمر پیش بینی شده در مهلت معین یا نامعین باشند مانند عقود اجاره که در آن تعهد موجه در تأمین منافع عین مستأجره و تعهد کارگر در انجام دادن کار مستمر در مقابل پرداخت اجاره بها و دستمزد در موارد معینه است در مقابل عقد مستمر عقد رها ویژگی های قرارداد کار تعهدات هر یک از طرفین دفعتاً و احداً در یک زمان که مورد توافق آنان بوده باید اجرا شود مانند بیع عین معین که به موجب آن مبیع و ثمن در محل معین باید تسلیم و پرداخت شود.

۷-۳. **بند سوم** معوض بودن قرارداد کار عقد معوض عبارت است از عقدی که یکی از طرفین در مقابل طرف دیگر تعهد به انجام امری مینماید و یا مال را میدهد و در عوض مالی را از طرف دیگر میگیرد و یا در مقابل تعهدی که طرف



دیگر به نفع او میکند تعهدی میکند. عقد معوض دارای دو مقوله است که یکی عوض و دیگری معوض نامیده میشود مانند بیع که دارای ثمن و مضمن میباشد و هر یک در مقابل دیگری قرار گرفته است. هر گاه منظور متعاملین در عقد معوض تعادل بین عوض و معوض نباشد بلکه عوضی که در مقابل قرار داده میشود ناچیز باشد آن را عقد محاباتی گویند.

۷-۴. **بند چهارم** قایم به شخص بودن شخص کارگر متعهد است و تعهدهای او جنبه شخصی دارد و شخص ثالثی نمیتواند آن را اجرا کند و به وراث او هم منتقل نمیشود در واقع در قرارداد کار نوعی توافق میان طرفین صورت میگیرد که به موجب آن ادامه حیات قرارداد برخلاف میل یکی از طرفین ممکن نیست از همین رو میتوان گفت که قرارداد کار به حقوق اشخاص بیشتر مربوط است تا به حقوق اموال زیرا موضوع این قرارداد مالی و شی نیست بلکه تعهدی است که به شخص کارگر مربوط میشود.

۷-۵. **بند پنجم** لازم بودن قرارداد کار ماده ۶۹۶ قانون مدنی میگوید: عقد بعد از انفاذ لازم پنداشته شده رجوع از عقد و تعدیل آن بدون رضایت طرفین یا حکم قانون جواز ندارد این ماده به اصل لزوم قراردادهای اشاره می کند که بر طبق آن رابطه ای که در اثر عقد لازم ایجاد میشود طوری است که هیچ یک از طرفین عقد نمیتوانند بدون رضای طرف دیگر آن را بر هم بزنند مانند قرار داد. کار بنابراین طرفین به انجام چیزی که در عقد تصریح شده ملزم میباشند مگر در مواردی که قانون در اثر یکی از اختیارات حق فسخ به یکی از طرفین یا هر دو آنها داده باشد که در این صورت کسی که حق مزبور به او داده شده باشد میتواند معامله را فسخ نماید و یا اینکه طرفین عقد در برهم زدن آن توافق حاصل نمایند که آن را اقاله گویند.

همان طوری که دو نفر به وسیله حاکمیت اداره میتوانند رابطه حقوقی ایجاد نمایند میتوانند به تراضی آن را به هم زنند و این امر نیز موجب تجاوز به حقوق دیگری نخواهد بودند ششم- الحاقی بودن قرارداد کار قرارداد الحاقی اصطلاحی است برای آن دسته از پیمانها که نمونه مفاد آن به وسیله یکی از دو طرف تنظیم میشود و طرف دیگر بدون اینکه امکان تغییر درباره شرایط قرارداد را داشته باشد به آن رضایت میدهد. در قرارداد الحاقی یک طرف شرایط خود را تعیین میکند و طرف مقابل چاره ای ندارد جز آنکه از بستن قرارداد خودداری کند یا قرارداد را با همان شرایط بپذیرد در این صورت او در واقع به شرایطی از پیش تعیین شده ملحق شده است. الحاقی بودن قرارداد کار ناشی از تفاوتی قدرت اقتصادی و شرایط اجتماعی کارفرما و کارگر است و یکی دیگر از جهاتی است که حمایت از کارگر را ضروری کرده و آمره بودن قانون کار را اقتضا می کند.

بند ۵ ماده ۱۴ قانون کار در همین زمینه مقرر میدارد تغییرات یا تعدیلات بعدی در قرارداد کار در صورتی جواز دارد که برای کارکن مزد و سایر حقوق و امتیازات قانونی کمتر از مجوز این قانون پیش بینی نه گردد.

۸. ماهیت عقد جعاله

عقدی عهدی است؛ ماده ۵۶۱ ق.م.زیرا جاعل تعهد کرده که در ازای انجام عملی به عامل پاداش (جعل) بدهد. یک عقد مبتنی بر مسامحه است؛ بنابراین جزء عقود است که علم تفصیلی به شیوه انجام عمل یا علم به میزان جعل لازم نیست در جعاله مواد ۵۶۳ و ۵۶۴ ق.م.علم اجمالی نسبت به جعل میزان پاداش کافی است؛ مثلاً شخصی بیان میکند که هرکس کیف



من را پیدا کند، (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۸۷) نصف پول داخل آن را به عنوان جعل به او می‌دهم علم اجمالی نسبت به عامل کافی است.

۹. مبانی فقهی جعاله

جعاله امری مشروع است و دلیل مشروعیت آن روایت امامان بخاری (۲۱۵۶) و مسلم (۲۲۰۱) از ابوسعید خدری است که گفت: عده ای از یاران پیامبر به سفری رفته و در راه به یکی از قبایل عرب رسیدند آنها از آن قبیله خواستند که آنها را مهمان کنند، اما آن قبیله از مهمان کردن آنها خودداری کردند در این اثنا رئیس آن قبیله به وسیله ی مار یا عقرب گزیده شد و مردم آن قبیله هر چه را که برای درمان وی به کار بردند، بهبودی در حال وی ایجاد نکرد، عده ای از مردم آن قبیله گفتند: اگر پیش آن جماعتی که کنار قبیله ی ما چادر زده اند، برویم ممکن است چیزی را برای درمان داشته باشند.

۱۰. تفاوت مبانی عقد اجاره اشخاص و جعاله

مواری که باعث تمایز عقد عقد اجاره و جعاله شده و در بعضی مواقع به لحاظ ماهیت باهم یکسان هستند در مورد اجاره اشخاص بگویم عقدی لازم است با نگاهی به قانون که در این مورد سکوت کرده است و رجوع به اصل لزوم قراردادها با توجه به ماده ۵۶۵ ق.م جعاله از زمانی که انعقاد شده، تا زمانی که عمل به پایان نرسیده جایز است و هریک از متعاقبین می توانند رجوع کنند.

در مورد اجاره اشخاص که همیشه اجیر شخصی مشخص می‌باشد اما در جعاله عامل می تواند یک شخص باشد یا شامل چندین عامل متفاوت باشد. در عقد اجاره اشخاص دستمزد باید مشخص و معین باشد، اما در عقد جعاله همان گونه که بیان کردیم، ماده ۵۶۳ ق.م تصریح کرده مشخص بودن اجرت (جعل) در تمامی موارد لازم نیست. در قرارداد اجاره اشخاص، خادم یا کارگر نمی‌تواند به عنوان شخص اجیر انتخاب شود مگر برای زمانی معین یا برای انجام کاری معین، از سوی دیگر در عقد دیگر که جعاله می‌باشد نه تنها ذکر مدت لازم نیست، بلکه ممکن است ساخت کار عمل کاملاً مشخص نباشد و کیفیات انجام آن نامشخص است.

۱۱. تعهدات جاعل

در مواقعی که کار درخواست شده از سوی جاعل عملی تجزیه ناپذیر باشد و جاعل یک نتیجه مد نظر دارد در ضمن جعاله یک تعهد به نتیجه است و یک نتیجه معین نظر داشته باشد به دست اوری پیش نیاز های آن کار یا تلاش برای یافتن نتیجه معهود هیچ اجرتی برای آن مد نظر گرفته نشده است، به این خاطر که در جعاله تعهد به نتیجه است و تنها آن چیزی که مد نظر جاعل است باید انجام داده شود و تسلیم جاعل شود تا عقد محقق شود کار مورد نظر تعید به نتیجه است نه تلاش برای رسیدن به آن هموار ساختن راه تنها انجام دادن آن و تسلیم آن است که برای عامل حق پاداش گرفتن را به وجود می آورد.



۱۲. تعهدات عامل

عامل (شخصی که مامور شده کار جاعل را انجام دهد)، جعل یا اجرتی را که در برابر دادن کالای که مد نظر جاعل بوده است تنها با انجام دادن کار یا تسلیم آن به جاعل مستحق اجرت المثل میگردد در این صورت اگر فردی که مورد نظر آن هاست را در خانه جاعل بیاورد و او بگریزد اجرتی به عامل نخواهد رسید؛ در این صورت کاری را که شرط دریافت عوض و اجرت میباشد به پایان نبرده است.

۱۳. انحلال اجاره اشخاص

فسخ قرارداد که میتوان آن را این گونه خطاب کرد به نام انحلال ارادی قرار داد نیز می توان به آن گفته شود، در اصطلاح حقوقی نیز میتوانیم این گونه خطاب کنیم پایان دادن حقوقی به قرار داد به واسطه یکی از متعاقدين قرارداد یا ثالث قرار داد نیز میتواند. فسخ یا همان انحلال ارادی قرارداد از لحاظ جایگاه حقوقی جز موارد و مباحث اسباب سقوط تعهدات و قراردادهای است. و در گفتار انحلال یا فسخ قرارداد، مختص به عقود لازم است، زیرا در عقود جایز هر یک از متعاقدين میتواند در هر لحظه که اراده کند، از عقد رجوع کند، قانونگذار ایران در عقد اجاره از فقه تبعیت کرده و فقها در برخی ابواب فقهی مثل بیع و اجاره دقت فراوان داشته و همین باعث تکامل عقد اجاره شده است. (خوئی، همان، ج ۲، ص ۲۱۷).

۱۴. انحلال جعالة

اگر عامل مجنون یا صغیر غیر ممیز باشد در این صورت به دلیل فقدان اراده اصلا جعالة ای منعقد نشده است و عامل مستحق دریافت اجرت المثل است. اگر عامل سفیه یا صغیر ممیز باشد با دو حالت مواجهیم اگر ولی، یا، قیم این جعالة را تنفیذ کنند؛ عامل مستحق جعل است. اگر ولی یا قیم این جعالة را تنفیذ نکنند عامل مستحق اجرت المثل است.

جعالة تعهدی است جایز و تا زمانی که عمل به اتمام نرسیده یا مالی که تحویل آن موضوع بوده تسلیم نشده است هر یک از طرفین میتوانند رجوع کنند یعنی جعالة را فسخ کنند؛ بنابراین قبض شرط لزوم جعالة است؛ بهاین معنا که تا قبل از قبض تحویل مال موضوع جعالة به جاعل یا انجام عمل موضوع جعالة توسط عامل جعالة قابل رجوع است و بعد از قبض (تحویل مال موضوع جعالة به جاعل یا انجام عمل توسط عامل جعالة لازم و غیر قابل رجوع میشود. (ماده ۵۶۵ ق.م) اگر جاعل در اثنای عمل رجوع کند باید اجرت المثل عمل عامل را بدهد، ولی اگر عامل در اثنای کار رجوع کند مستحق چیزی نیست.

۱۵. پایان مدت اجاره اشخاص و جعالة

به این صورت که اجاره اشخاص از دید فقهی جزء عقود معاوضی هست از ارکان آن تعیین زمان و مدت آن است. به این صورت هرگاه مدت قرار داد به پایان برسد هر نوع رابطه که بین اجیر و مستأجر بوده است از بین می رود. ولی برعکس در قانون کار حکم قضیه به نحو دیگری حل میشود ماده ۲۱ قانون کار در این خصوص اظهار میدارد که در صورت پایان قرارداد کار این گونه سخن به میان می آورد که قرارداد کار به یکی از روش های زیر پایان می یابد (کاتوزیان، همان، ج ۲، ص ۲۴۳).



۱۶. نتیجه گیری

در این مقاله به نظر می رسد :

۱- اجاره اشخاص و جعاله بسیار مشابه یکدیگر هستند به طوری که ممکن است با یک دیگر اشتباه گرفته شوند به این صورت که هر دو آنها عقد هستند. اما لازم به ذکر است که در عقد بودن جعاله مورد اختلاف فقه ها است ولی بیشتر حقوقدان نظر به عقد بودن جعاله دارند. اجاره و جعاله عقدی عهدی هستند و عقدی معوض هستند همچنین در هر کدام از عقود یک طرف کار می کند و طرف دیگر اجرت می دهد. در اجاره اشخاص کسی که کار می کند اجیر و آن کسی که دستمزد را می دهد مستاجر یا موجر گویند و در جعاله آن کسی که دست مزد می دهد جاعل گویند و کسی که کار می کند عامل می گویند.

۲- اگر بخواهیم به تفاوت های میان اجاره اشخاص و جعاله بپردازیم برای بررسی آن باید خاطر نشان کنیم که در اجاره اشخاص اجیر شخص معین می باشد اما در عقد جعاله زمانی که عامل فردی تعیین شده و مشخص و قابل شناسایی است که به آن جعاله خاص گویند و اما برخی اوقات عامل فردی ناشناس یا افرادی ناشناس هستند مثلاً دانشجویان دانشگاه قروه که آن را جعاله عام می توان نامید. و مواردی که میتوان گفت این است که اجاره اشخاص عقدی لازم است یا به صورت کلی اجاره چه اشیا و اشخاص لازم است ولی عقد جعاله عقد جایز است که در این عقد با قبض اقباض همراه است و با تسلیم کالا که همان (جعل) است تبدیل به عقد لازم می شود و تسلیم شرط لزوم عقد است. در اجاره اشخاص در هنگام به وجود آوردن عقد، تعهدی بین متعاقدين به وجود می آید که به همین دلیل در آن حق حبس وجود دارد ولی در عقد جعاله به هنگام انعقاد عقد، تعهد یک به وجود میاید و در این صورت حق حبسی وجود نخواهد داشت اجاره اشخاص عقدی مبنی بر مغاینه است به همین دلیل علم تفصیلی لازمه آن است ولی در عقد جعاله مبنی بر مسامحه است لذا علم اجمالی به جعل کفایت می کند و حتی به خاطر ماده ۵۶۳ و ۵۶۴ قانون مدنی مورد آن هم میتواند هم مردد باشد

به نظر می رسد با عنایت به نظریه عقد بودن جعاله در حقوق موضوعه بخصوص در نظام بانکی و با توجه به این که عقدی است که مخلوق اراده طرفین است با اثبات مطابقت نداشتن اراده ظاهری با اراده باطنی عقد باطل میشود در صورت وجود شری که مخالف مقتضای ذات عقد باشد، شرط و عقد هر دو باطل و بی اثر خواهند شد. اما در مقام اجرا و عمل میشود به نحوی از این عمل حقوقی استفاده شود که بر خلاف مقوانین و احکام قانونی و ارکان شرط این تاسیس حقوقی باشد و میتواند موجب مشکلات زیاد حقوقی شود که به بعضی از آنها اشاره و راه حل مناسب میدهند

۱- از جمله مواردی که برای صحیح بودن هر عقدی از جمله عقد جعاله لازم است مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی قصد و رضای طرفین است و اما اگر قصد انشای جعاله را نخواهد داشته باشد و یا بین اراده متعاقدين توافق نشود، عقد باطل است. در نتیجه اگر ارباب رجوع بانک قصد دریافت وام داشته باشد برای رفع نیاز های مالی خود و بانک قالب جعاله را انتخاب کند.

و مشتری به ناچار وبدون قصد و اراده باطنی با اراده ظاهری به دلیل حاکمیت اراده باطنی و به موجب اصل ((العقود تابعه للقصود)) و اینکه ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد و الاعمال بالنیات، عقد جعاله بین آنها واقع نشده است. اما ممکن است با جمع بودن شرایط بتوان آن را یک عمل یا واقعه حقوقی دیگر دانست یا به شرح دیگر، اگر ثابت شود که مشتری نظر به استفاده از تسهیلات بانکی قصد جعاله نداشته احکام خاص جعاله در آن راه ندارد. و این مورد موجب مشکلاتی برای مشتری



، بانک ها و مراجع قضایی میشود و برای رفع این مشکل پیشنهاد می شود که در چنین مواردی از قالب های مناسب خود مانند عقد رهن ، قرض الحسنه و غیره استفاده شود و از احکام و خود جعاله فقط در مواردی که متعاقدين قصد و رضای واقعی برای انعقاد جعاله را دارند و تمام شرایط لازم فراهم است و ان را پذیرفته اند، استفاده نمایند.

۲- بانک طبق بخشنامه های داخلی و نمونه قراردادهای از قبل تنظیم شده و به صورت رسم القباله شرط اسقاط حق فسخ جاعل را به صورت ((در ضمن عقد خارج لازم)) در قراردادهای جعاله قید می کند ، هر چند در آیین نامه و دستورالعمل اجرایی جعاله تصریحی بدان نشده است این امر که بیشتر جنبه تصنعی و صوری دارد ممکن است موجب حدوث اختلاف بین طرفین و طرح آن در مراجع قضایی شود و شخص جاعل متعرض این نکته شود که عقد خارج لازمی وجود نداشته است. برای حل این مشکل پیشنهاد می شود که بدون به کارگیری عبارت ((درضمن عقد خارج لازم)) شرط اسقاط حق فسخ در قرار داد جعاله نوشته شود و یا اینکه در ضمن یک عقد لازم واقعی این شرط درج شود.

منابع:

منابع فارسی:

- اصفهانی، شیخ محمد حسین، ۱۴۱۸ ق، رساله اجاره، قم، جامعه مدرسین.
- امامی، اسدالله، ۱۳۴۹ ، مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه، تهران، چاپ اول. امامی،
- اباذری فومشی، منصور ، ۱۳۸۶، حقوق کار و نحوه رسیدگی به شکایات دعاوی و جرائم در قانون کار، تهران، خرسندی.
- افشاری، زهرا، ۱۳۶۹، اشتغال زنان و نقش آن در بازسازی اقتصادی، کشور تهران طرح پژوهشی دانشگاه الزهرا.
- امامی، حسن، ۱۳۷۷ حقوق مدنی، تهران، اسلامی.
- بروجردی عبده، محمد، ۱۳۲۹، حقوق مدنی، تهران، انتشارات علمی.
- تولایی، حسین رفیعی حسن بیگلریان، اکبر ۱۳۹۸، رابطه کار کودک با توسعه و رفاه اجتماعی، تهران فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی سال نهم، شماره ۳.
- جعفری لنگرودی ، محمد جعفر ، ۱۳۷۲، مبسوط ترمینولوژی حقوق، دانشنامه حقوقی، طرح اصلاح قانون مدنی، تهران، انتشارات سپهر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۲، دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، انتشارات سپهر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۸، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش. جعفری



جزنی، نسربین ۱۳۸۰ بررسی موانع و مشکلات موجود در اشتغال زنان در بخشهای دولتی تهران معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی جلالی، محمد، ۱۳۷۶ بررسی شرایط کار کودکان و نوجوانان در حقوق، ایران هند و اسناد بینالمللی،

چنگیزی، آشتیانی مهرانگیز، ۱۳۷۵، مشکلات اشتغال زنان و تجربه تعاونی زنان چینی نشریه تعاون.

دانش، عصمت ۱۳۸۲، اشتغال زنان و مسائل آن از چشم اندازهای، مختلف تهران، انتشارات دریای اندیشه

دهخدا علی اکبر، ۱۳۴۱ مسلسل ۷۰، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام چاپ اسلامیه، بی تا. نوین، پرویز؛ خواجه پیری، عباس، ۱۳۸۲، حقوق مدنی ۶ - عقود معین ۱، چاپ احمدی. همدانی، علی اله، ۱۳۸۰، کلیات حقوق کار، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

ن، گنج دانش. خاوری، محمد رضا، حقوق بانکی، تهران، بی تا.

راوندی، فقه القرآن، مجموعه ینابیع الفقهیه، بی تا.

رسانی، نیا، ناصر، ۱۳۷۹، حقوق کار، تهران، انتشارات آوای نو.

رسولی، عبدالحسین ۱۳۹۳، حقوق مدنی ۱ اشخاص و محجورین در حقوق افغانستان کابل فرهنگ.

رنجبری، ابوالفضل ۱۳۷۷، حقوق کار، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

کار کودکان ماهنامه پژوهش، فرهنگی، تهران سال ششم شماره ۱.

زبیدی، سید محمد مرتضی الحسینی الواسطی، تاج العروس؛ بی تا، بی جا.

سپهری، محمدرضا، ۱۳۸۱، حقوق بنیادین کار، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی. شهیدی، مهدی، ۱۳۷۹، اصول قراردادهای و تعهدات، عصر حقوق.

ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، مقدمه ای بر جامعه شناسی، خانواده، تهران، انتشارات سروش

سالاری، پریسا، ۱۳۸۴ بررسی تحلیلی کار کودک در ایران با توجه به تعهدات ناشی از مقاله نامه شماره ۱۸۲، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

سفیری، خدیجه، ۱۳۷۷ جامعه شناسی اشتغال، زنان، تهران مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان

شهیدی، مهدی، ۱۳۸۲، تشکیل قراردادهای و تعهدات، تهران مجمع علمی فرهنگی مجد.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، قواعد عمومی قراردادهای، ج اول، تهران، انتشارات مدرس. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، عقود معین، ج ۱ و ۳، تهران، انتشارات مدرس.

شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۱، حقوق قراردادهای، تهران، سمت.



- صفایی، سید حسین، ۱۳۷۲، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان
- صفوی، محمود، ۱۳۷۸، حقوق و مزایای دوران بارداری و زایمان کارگران زن از مجموعه مقالات جنس دوم به کوشش نوشین احمدی خراسانی جلد، چهارم تهران، نشر توسعه
- عبادی، شیرین، ۱۳۸۳، تاریخچه و اسناد حقوق بشر، تهران، انتشارات روشنگران
- عراقی، عزت الله، ۱۳۶۷، حقوق بین المللی کار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- عراقی عزت الله ۱۳۹۳، حقوق کار، تهران، سمت، ج ۲.
- علویان، محمدرضا، ۱۳۸۱، کار زنان در حقوق بین المللی، کار، تهران انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- عمید، حسن، ۱۳۸۰، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر
- غفاری، فارسانی، بهنام، ۱۳۸۷، نگاهی به کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲.
- غیرابی، هادی، ۱۳۸۱، وضعیت کودکان کار در سال ۲۰۰۳، صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)، تهران، انتشارات یوسف
- لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۱، حقوق تعهدات، قانون مدنی، تهران، گنج دانش . جعفری لنگرودی،
- مهدوی، مزینانی زهرا و مزینانی، مجتبی، ۱۳۹۰، آسیب شناسی حقوقی کار کودکان و نوجوانان در کسب و کارهای خانوادگی، تهران، فصلنامه ی خانواده پژوهی، شماره ۲۶.
- مهر پور، حسین ۱۳۷۴، حقوق بشر در اسناد بین المللی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- مهر پور، حسین ۱۳۷۸، حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن، تهران، انتشارات اطلاعات
- نیک انجام شهناز، ۱۳۷۴، وضعیت حقوقی زنان در جامعه بین الملل نشریه سیاست خارجی سال نهم شماره
- هاشمی، محمد، ۱۳۷۵، حقوق اجتماعی سیاسی زنان در چهار، عرصه نشریه فرزانه شماره ۸
- هسائی، زاده، عبدالعلی، اشرفی حجت الله، ۱۳۸۱، بررسی عوامل تعیین کننده ی
- محمدجعفر، ۱۳۸۱، طرح و اصلاحات قانون مدنی، تهران.
- عدل، مصطفی، ۱۳۷۳، حقوق مدنی، قزوین، انتشارات بحرالعلوم.

منابع عربی:

القرآن الکریم .



ابن حمزه، عماد الدین محمد بن علی طوسی، ۱۴۰۱ ق، الوسیله، مجموعه ینابیع الفقهییه، بیروت، مؤسسه فقه شیعه .

ابن رشد، بوايه المجتهد، بیروت، بی تا.

الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، چاپ مصر، دار الكتاب اهری .

الجبلی العاملی، زین الدین، ۱۳۷۵، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، چاپ سوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

اول، ۱۴۰۵ ق، شرایع الاسلام، بیروت .

السیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله، (فاضل مقداد) ۱۳۴۳ ش، کنزالعرفان، تهران مرتضویه.

الحر العاملی، محمد بن الحسن، ۱۳۹۰ ه. ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

بروجردی، مرتضی، ۱۴۲۱ ق، المستند فی شرح العروه الوثقی، مقرر آیت اله شهید شیخ مرتضی بروجردی، بیروت. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۵ ق، وسائل الشیعه، بیروت.

حسینی عاملی، سید محمد جواد، ۱۴۱۶ ق، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد علامه، بیروت. حکیم، سید

حلی، ابن ادريس، ۱۴۱۰ ق، السرائر، مجموعه ینابیع الفقهییه، بیروت. حلی، ۱۴۲۰ ق، مختلف الشیعه، بیروت .

حلی، تذکره الاحکام، تهران، چاپ سنگی، بی تا. حلی، محقق

محسن، ۱۴۰۱ ق، مستمسک العروه الوثقی، بیروت

سنهوری، عبدالرزاق، ۱۴۱۲ ق، الوسیط، بیروت .

شهید ثانی (زین الدین بن احمد الشامی العاملی)، ۱۴۰۵، شرح لمعه، بیروت، کلانتر. شیخ صدوق، محمد

ابن علی بابویه قمی، المقنع فی الفقه، سلسله ینابیع الفقهییه، بی تا. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن

۱۳۸۲ ق، مسائل الخلاف، تهران، چاپ تابان.

النهايه فی الفقه و الفتاوى، مجموعه سلسله ینابیع الفقهییه، بی تا. فاضل موحیدی لنکرانی،

محمد، ۱۳۷۹، جامع المسائل، قم، نشر امیرکبیر. فخر المحققین، (فرزند علامه حلی

۱۳۸۹ ق، مطبوعه العلمیه، قم .

موسوی الخمينی، روح الله، ۱۳۸۰، تحرير الوسیله، چاپ ۱۹، قم، انتشارات اسلامی.